

امضای تفاهم‌نامه هوشمندسازی صنایع بزرگ میان استانداری و ایدرو

استانداری اصفهان و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) با هدف پیاده‌سازی تحول دیجیتال، ارتقای بهره‌وری و مدیریت مصرف انرژی در صنایع بزرگ فولادی و معدنی، تفاهم‌نامه همکاری امضا کردند و این اقدام که در راستای برنامه‌های کلان «صفهان پایدار» صورت گرفته است، نقشه راه جدیدی را برای ورود صنایع مادر این استان به عصر هوشمندسازی ترسیم می‌کند. بر اساس این تفاهم‌نامه، استانداری اصفهان مسئولیت هماهنگی بین‌دستگاهی، هم‌راستاسازی برنامه‌های توسعه‌ای استان با رویکرد هوشمندسازی صنعتی و تأمین داده‌های لازم برای پایش پیشرفت طرح‌ها را بر عهده خواهد داشت.

در ادامه این مراسم، فرشاد قمیمی، معاون وزیر

صمت و رئیس هیئت عامل ایدرو، به تشریح

ابعاد فنی این همکاری پرداخت و بر نقش کلیدی

شرکت‌های تابعه این سازمان تأکید کرد.

رئیس هیئت عامل ایدرو با اشاره به نقش محوری مرکز گسترش فناوری اطلاعات تصریح کرد؛ در راستای اجرایی شدن مفاد این تفاهم‌نامه، مرکز مگفا دانش فنی پیشرفته و الگوهای موفق ملی و بین‌المللی را در زمینه هوشمندسازی صنایع معدنی و فولادی ارائه خواهد داد.

به گفته قمیمی، ارزیابی وضعیت دیجیتال صنایع استان، حمایت از طرح‌های پژوهشی کاربردی و معرفی مراکز فناوری و سرمایه‌گذاران توانمند از جمله تمهیدات اصلی ایدرو در این برنامه مشترک است.

مهدی جمالی‌نژاد، در مراسم امضای این تفاهم‌نامه با اشاره به برنامه‌های کلان این استان تحت عنوان «صفهان پایدار» تأکید کرد که مدیریت ارشد استان با تمام توان از این حرکت ساختاری پشتیبانی خواهد کرد.

او افزود: استانداری اصفهان با ایجاد هدایت و هماهنگی لازم میان دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های معدنی و فولادی و همچنین نهادهای علمی استان، بستر مناسب را فراهم می‌کند. استاندار اصفهان گفت: ما با ارائه تسهیلات، صدور مجوزها و اعمال حمایت‌های قانونی، مسیر اجرای این پروژه‌های تحول‌آفرین را هموار خواهیم کرد. گفتنی است:بر اساس این تفاهم‌نامه، استانداری اصفهان مسئولیت هماهنگی بین‌دستگاهی، هم‌راستاسازی برنامه‌های توسعه‌ای استان با رویکرد هوشمندسازی صنعتی و تأمین داده‌های لازم برای پایش پیشرفت طرح‌ها را بر عهده خواهد داشت. این همکاری مشترک که پیش از این نمونه موفق این میان ایدرو و استانداری یزد نیز به اجرا درآمده بود، اختراع کلان شناسایی فرصت‌ها،عارضه‌یابی و استخراج روش‌های تحول دیجیتال، خطوط تولید،تولید-تولین نقشه راه؛ طراحی سند بومی هوشمندسازی متناسب با ساختار صنتی اصفهان، توسعه اکوسیستم نوآوری،حمایت ویژه از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان بومی و جذب سرمایه؛ هدایت سرمایه‌های بخش خصوصی به سمت پروژه‌های زیرساختی فناوری اطلاعات در صنایع مادر است

آزمونی برای جوان سازی مدیران کشور

رییس دانشگاه پیام نور استان گفت: در آزمون برای ورود ۵۰۰ مدیر جوان به چرخه مدیران بیش از ۹۰۰۰ هزار نفر در کشور شرکت کردند.

مسئول برگزاری آزمون در استان اصفهان افزود: در اصفهان نیز ۴۵۰ نفر در این آزمون شرکت کردند که از این تعداد ۳۰۷ نفر مرد و ۱۴۶ نفر خانم بودند. مواظتی فر گفت: در راستای طرح تحول اداری این آزمون می‌تواند با تزریق روحیه جوانی به سطوح مدیران کشور پیشرفت شگرفی را در حوزه‌های مختلف رقم بزند. او گفت: قرار است نقرات برتر در این آزمون در یک دوره ۱۸ ماهه دوره های مدیریتی بگذارند.

۴۰میلیارد ریال کمک خیران برای آزادی زندانیان جرائم غیر عمد

۴۰میلیارد ریال کمک خیران در جشن گلریزان ویژه آزادی زندانیان نیازمند جرائم غیر عمد شهرستان مبارکه جمع آوری شد.

اسدالله گرجی زاده مدیر ستاد دیه استان اصفهان گفت: در این مراسم خیران متعهد به پرداخت ۴۰ میلیارد ریال برای کمک به آزادی زندانیان جرائم غیر عمد در این شهرستان شدند.

اسدالله گرجی زاده، این اقدام را حرکتی در جهت نیل به اهداف و رسالت ستاد دیه برای دسگیری از زندانیان معسر جرائم غیر عمد و حمایت از خانواده های آنان عنوان و ابراز امیدواری کرد؛ مسوولان و دست اندرکاران با برگزاری برنامه هایی با محوریت جلب مشارکت های مردمی ، مقدمات آزادی زندانیان واجد شرایط را فراهم کنندو موجب شوند؛بارگشت شرافتمندانه آنان به آغوش گرم جامعه و خانواده شوند.

هنر و ادبیات می تواند سرمایه اجتماعی

ما را پس از جنگ تقویت کند؟

شهر و استان اصفهان یکی از

خطوط مقدم حملات جنگ رمضان

محمد،رمز،مهری

بودن،نشانه های جنگ را فقط در بناهای

تخریب شده یا فضاهای ساخته شده مناسب ایام جنگ

نمی توان خلاصه کرد،فرهنگ و هنر هم، همپای جنگ

می جنگد، هم از آن پیش و پیش از دیگر شئون زندگی

آسیب آشکار و نهان دیده است. پس از جنگ هم در

برآمدن شهر از پس آوار جنگ می تواند و باید نقش

موثری داشته باشد.چرا که شهر فقط بنا و کلید فیزیکی

آن نیست روح حاکم بر فضا هم هست که آن را فرهنگ

و هنر شهر می سازد؛از آنجا که هم برای دفاع هم

ساخت این مرز و بوم به سرمایه اجتماعی نیاز داریم و

هنر و ادبیات با روایت هایی که از ایران به زبان ها و

بیان های مختلف تولید می کنند و با شبکه ای از روایط

که می سازند می توانند در افزایش سرمایه اجتماعی

برای دفاع و امنیت موثر واقع شوند. به همین دلیل اهل

فرهنگ و هنر هم در حفظ شهر در زمانه جنگ، هم

دربریا نشن و ساختن شهر و از سر گیری روال عادی

زندگی، پس از جنگ بسیار کمک کننده است به شرط

آن که ما کارکرد فرهنگ را بدانیم و از آن به درستی بهره

گیریم. فرهنگ و هنر در جنگ چه کرد؟ پس از جنگ /

پساجنگ به چه کار می آید؟

مسئله این یادداشت کاوش در کار آیی

هنر و ادبیات در جامعه بحران زده است.

پرسش های آن هم این است آیا هنر و

ادبیات امروز ما توانسته در جامعه حضور

موثر داشته باشد؟ توانسته است بحران

را روایت کند؟ از بحران در حکم جرقه ای

برای هنر و ادبیات خلاقه استفاده کرده؟

پس از جنگ هنر و ادبیات ما چگونه هنر

و ادبیاتی خواهد بود؟ به چه شرطی می

تواند سرمایه اجتماعی ما را افزایش دهد؟

خطاب این یادداشت هم همه کارگزاران فرهنگی

(فرهنگ در معنای وسیع آن)هستند که برنامه ریزی و

سیاستگذاری برای فرهنگ در سطح خرد و کلان شهر و

استان اصفهان نقش دارند و پیش از آنکه نقد و بررسی

باشد بازخوانی اجمالی شرایط برای تدوین پیشتهادی

کابردی است. هنر و ادبیات پیش،حین و پس از بحران

از آن و بر آن تاثیر می گیرد و می گذارددر بحران ها

ارتباطات آسیب می بیند و استراتژی رسانه ها بهره

مندی از این خلاء ارتباطی است در جهت ارائه نمایش

دیدنی و جذاب از جنگ و عادی سازی جنگ در اذهان

عمومی برای مشروعیت بخشی به آن از طریق بمباران

اطلاعاتی و سرعت دادن به انتشار اخبار،چنانکه رسانه

علمی امریکایی در جنگ اخیر چنین تلاشی کردند و می

کنند. در همین زمان که خلاء ارتباطی هست هنر و

ادبیات که از اتفاق کند تر و عمیق تر است بکار می

آید برای روایت درست و دقیق از آنچه رخ داده و

درمان روحی روانی جامعه آسیب دیده مهدی سعیدی

رویکردهای عمده ادبیات داستانی جنگ را اینگونه می

گوید: «ها آغاز جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، گونه

تازه ای از ادبیات با عنوان ادبیات دفاع مقدس و جنگ در

ایران یا به عرصه وجود گذشت و داستان نویسان به تبع

نوع رویکردشان به جنگ که شامل ارزش محور، جامعه

محور، انتقاد محور، انسان محور و با تلیفیقی از آنها بود، به

بازنمایی هنری برداشت ها و استنباطات خود از این واقعه

عظیم پرداختند.» این تقسیم بندی اکنون هم کاربرد دارد

با این توضیح که در حین جنگ هشت ساله هم

فقط ادبیات ارتش بود یا تلبینی تولید نشد بلکه گونه

های دیگر که در بالا ذکر شد هم تولید شد.اکنون جنگی

دیگر با شرایطی دیگر پدید آمده است لازم است هنوز

و ادبیات آن هم پدید آید.یا پدید آمده باید به این اجازه

ظهور داد. بروز آن تدبیری دیگر می طلبد.

۱- **توانسته در جامعه حضور موثر داشته**

یا شد؟

جنگ اگرچه بحران زاست و چهره زشتی دارد اما

همین جنگ وقتی چهره دفاع به خود می گیرد عملی

شرافتمندانه می شود و با وجود بحران آفرین شدن در

جامعه درعرصه هنر و ادبیات می تواند موجب تحرک

هنری ادبی و خلق آثار ماندگار شود، چنانکه نقطه

عطفی شود در تاریخ ادبیات و هنر.شواهد آن در تاریخ

ادبیات ایران و جهان بسیار است و نزدیکترین آن به

ما جنگ هشت ساله ایران و عراق است که موجب

تولد گونه ای ادی هنری شد به نام هنر و ادبیات دفاع

مقدس.در سطح جهانی دو جنگ جهانی و دهها انقلاب

و رویداد طبیعی و غیر طبیعی موجب پدید آمدن گونه

های جدید و مفاهیم نو شد که برای مخاطبان هنر و

ادبیات آشناست. اکنون که ما چند بحران و دو جنگ

۱۲ و ۲۰ روزه را تجربه کرده ایم آیا مدیریت فرهنگی

ما به گونه ای هست که این دوران را به نقطه عطفی

تبدیل کند؟این پرسش با خود پرسشی دیگری را مطرح

می کند: آیا هنر و ادبیات ما به حوادث اجتماعی کنش

متناسب داشته است؟ پاسخ به این پرسش نیازمند

تحقیقی دراز دامن در جامعه و نظر سنجی از اقدار

مختلف مخاطبان است.اما همین زیست اجتماعی عادی

هر یک از کنشگران فرهنگی نشان می دهد تعداد آثار

هنری ادبی که توانسته است خود را به عنوان اثری

اجتماعی معرفی کند کم بوده است. سینما یا به تعبیری

هنرهای تصویری بیش از دیگر هنرها واکنش اجتماعی

داشته اند و هنر موسیقی و ادبیات کمتر،یا حافظه

عمومی آن را کمتر نشان داده. برای روشن تر شدن

ابعاد پرسش و مطابقت آن با نیاز روزان را این گونه

رویداد

تلفن ارتباط خوانندگان: ۳۶۲۹۳۷۵۰

چند پرسش و یک تامل بر هنر و ادبیات پس از جنگ



جنگ های فرقه ای و مذهبی نبود اثر حماسی علی نامه خلق نمی شدند این زمان این دو جنگ چنین جرقه ای را برپا می زده است؟ جامعه ما بعد از جنگ به رسانه های هنری و ادبی نیاز دارد تا هم روایت کند که در این دو جنگ با چه رفت هم همین اختلاف که در زندگی عادی بوجود آمده را اصلاح کند.اگر روایت نکنیم یا شاهلان دور از واقعه یا عاملان بحران روایت می کنند نه قربانیان.اکنون باید برای هنر و ادبیات بستر مناسبی فراهم شود تا عقیم نشود و فعالیت کند تا فرزندی برپا بزیاید.

۴- **پس از جنگ هنر و ادبیات ما چگونه هنر و ادبیاتی خواهد بود؟**

شهر پس از جنگ برای برخاستن از دل بحران های جنگ به کمک فرهنگ وهنر نیاز داراما فرهنگ و هنری که میدان جنگ را درک نکرده باشد پس از جنگ هم اثر گذاری اش کم می شود.به همین دلیل، شواهد حال حاضر نشان می دهد هنر و ادبیات پس از جنگ مبتذل خواهد بود.واین زنگ خطر جدی است برای هنر و ادبیات.

۵- **به چه شرطی می تواند سرمایه اجتماعی ما را افزایش دهد؟**

از آنجا که هنر و ادبیات نوعی رسانه هستند و کار اصلی رسانه برقراری ارتباط و شبکه سازی است.هنر و ادبیات می توانند در ساخت شبکه سازی مختلف موثر واقع شوند.اگرکاری که در ادامه ارائه می شود بر این مبنا است.

۱- **چرا چنین شده است و چنین می شود؟**

بحث دراز دامنی است که به دلیل پیچیدگی های بحران های اجتماعی تخصص های مختلف را می خواهد و پرسش ما نیست.اکنون حرف بر سر این است که در این شرایط هنر و ادبیات پس از جنگ آیا راهی متفاوت از راهی که حین جنگ رفته است می رود؟ یا همان الگوی مدیریتی زمان جنگ: نه، چراکه هنر و ادبیات آینده مولود شرایط امروز است و امروز ما هنر و ادبیات را در جامعه بکار نگرفته ایم و به آن میدان ن داده ایم یا به پستو هل داده ایم که حاصلش عقیم شدن آن است. هنر و ادبیات عقیم چگونه ممکن است فردا فرزندی کارا برای جامعه بزیاد.وقتی بعضی از رشته ها تقریباً نزدیک به هیچ به حوادث اجتماعی واکنش نشان می دهند و موضوع های آنها هنوز همان موضوع های هر سال پیش است و مسئله و دغدغه مخاطب امروز نیست چگونه انتظار داریم که جامعه در حافظه خود آنها را نگهاند؟در جامعه ای که این همه خود ریخته شده است ترانه موسیقی ما زلف یار است و بی وفای هایش آن هم در شکل غیر خلاقه و تکراری.در دوران جنگ چقدر نخبران از جنگ گفتند و آن را تحلیل کردند؟چقدر نظریه پردازی کردند؟ کافی است فقط نزد خود به چرایی توفیق آهنگ ای ایران توجه کنیم به پاسخ پرسش بالا خواهیم رسید.

راه بدون رفت از این شرایط و پیشگیری از ابتتال در انتظار هنر و ادبیات نه سفارش دادن کاربه اهل هنر و ادبیات است نه تعطیلی دستگاههای فرهنگی است.نگاه به جامعه و هنرمندی که بحران را تجربه کرده و با آن دست به گریبان است باید متفاوت از دیگر زمان ها باشد تا او بتواند به وظایفش در قبال جامعه عمل کند. در چند گام می توان هنرمندان را در موقعیتی قرار داد که او بطور

۳- **از بحران در حکم جرقه ای برای هنر و ادبیات خلاقه استفاده کرده؟**

با وجود آسیب های اجتماعی حاصل از جنگ و بحران معمولاً در تجربه های گذشته این شرایط ناپایدار برای ادبیات و هنر خلاقه حکم جرقه ای هم داشته است تا آثار ماندگاری خلق شود.اگر جامعه بحران زده قرن چهارم نبود شاهنامه فردوسی پدید نمی آمد. بی حتی اگر

جنگ های فرقه ای و مذهبی نبود اثر حماسی علی نامه خلق نمی شدند این زمان این دو جنگ چنین جرقه ای را برپا می زده است؟ جامعه ما بعد از جنگ به رسانه های هنری و ادبی نیاز دارد تا هم روایت کند که در این دو جنگ با چه رفت هم همین اختلاف که در زندگی عادی بوجود آمده را اصلاح کند.اگر روایت نکنیم یا شاهلان دور از واقعه یا عاملان بحران روایت می کنند نه قربانیان.اکنون باید برای هنر و ادبیات بستر مناسبی فراهم شود تا عقیم نشود و فعالیت کند تا فرزندی برپا بزیاید.

طبیعی به وظیفه اش عمل کند:

۱-اصلاح نگاه به هنرمندان و او را نه «دیگر»ی که خودی باید دید آن هم زیر یک چتر مشترک با همه دیگر و تفاوت ها به جای تمرکز بر اختلاف ها.

۲-هنر و هنرمندان از ارکان جامعه است و با آن در تعامل دو سویه است.فعال نبودن هنرمندان در این چرخه موجب اختلال در کل حیات جامعه می شود.به همین دلیل باید هنرمندان را در مسیر طبیعی چرخه تولید اثر و در تعامل با جامعه قرار داد تا او به طور طبیعی خود شبکه ارتباطی اش را بسازد.اگرکار رسیدن به چرخه طبیعی در ابتدا این است که: نهادهای رسمی باید نقش تسهیلگر را بپذیرند.باید از حجم برنامه ها و رویداد های بزرگ شهری که صرفاً یا بوجه نهادهای دولتی امکان اجرا دارد، اجتناب کرد و برنامه های کوچک و مستمر ولی گسترده در تمام سطوح شهر را وسعت بخشید.باید کل فضای عمومی هنر و فرهنگ را گرم و پویا خواست نه یک بخش و قشر را. باید کمیت را گسترش داد چرا که کیفیت در کمیت فراوان بدست می آید.اجازه بدهیم جامعه خود از میان تولیدات متنوع و متفاوت آنچه را که نیاز دارد و مسئله اش هست انتخاب کند . مشوق همه فعالان فرهنگی که دارای شبکه اجتماعی و سرمایه فرهنگی هستند باشیم.به مثال موسسه فرهنگی که نشست های هفتگی و ماهیانه چند ده نفره برگزار می کنند به برنامه بزرگ با مهمان غیر بومی اولویت دارد.

۳-نهادهای دولتی و عمومی با تأکید بر نهاد های علمی باید با طرح مباحث نظری در خصوص رابطه هنر و ادبیات و جنگ و وسعت بخشیدن به تحلیل های نظری درباره جنگ در فضای عمومی و رونق دادن گفتگوی عمومی در این خصوص بطور مستقیم و غیر مستقیم اهل هنر و ادبیات ره به تولید هنری و ادبی تشویق کنند ۴-توجه به همه مخاطبان با تأکید بر دو مخاطب آسیب پذیر کودک و کهنسال.

۵-بازخوانی تجربه های تاریخی آموزنده است به مثال: قطعه ازخون جوانان وطن یا ای ایران اگرهنوز هم کارکرد دارد و ایرانیان با گرایش های متفاوت آن را همخوانی می کنند در پاسخی است که این دو اثر به نیاز جامعه می دهد.هیچ کدام هم تولید سفارشی نیستند یا قطعاتی که در انقلاب اسلامی با جنگ تحمیلی ساخته شد مثل کاروان شهید ساخته محمد رضا لطفی که با صدای شهرام ناظری اجرا شد بر اساس احساس ووظیفه هنرمند و دینی که فکر می کرد باید ادا کند، تولید شد. ۶- ضروری است میدان تجربه ای به رابطه بین جنگ و نسل جدید که به اصطلاح نسل زد می گویند، فراهم کرد.

همان طور که شهید بهشتی در بحث تربیت دینی می گوید تربیت دینی با آزادی ممکن است هنرمند و ادیب پاک نقش پیشرو داشته‌اند و این موضوع با سازگاری بیشتر در حفظ محیط زیست و جلوگیری از بوته‌کنی و تخریب مراتع همراه است.او در ادامه به دیگر اقدامات زیرساختی در جهت توسعه زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عشایر اشاره کرد و افزود: زیرسازی و اسفالت جاده‌های مواصلاتی، طرح‌های تهیه آب پایدار، احداث شهرک‌های اسکان خیرخوش، طرح‌های اشتغال‌زایی از جمله احداث دامسگاه، نصب دکل‌های مخابراتی، /بسا جنگ آنچه در اروپای سالهای بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد نیست بلکه فضای عمومی جامعه ایران بعد از آتش بس جنگ چهل روزه است.

عشایر قشقایی، میزبان عصر جدید انرژی‌های نو

همزمان با آغاز کوچ عشایر به ییلاق‌های شهرستان سمیرم با توزیع مرحله پنجم طرح صفحه‌های خورشیدی و بهره‌گیری از انرژی‌های نو فصل جدیدی از توسعه زیرساخت‌های رفاهی برای این جامعه مولد آغاز شد.

به گزارش ایرنا، در دل طبیعت بکر و ارتفاعات سرسبز سمیرم، همانجا که زندگی با کوچ و طبیعت گره خورده است و عشایر به عشق مراتع زیبا اردبیهشت ماه را برای سفر به دل ییلاق‌های سمیرم انتخاب می‌کنند، شیدین خیرخوش انرژی‌های پاک برای جامعه مولد عشایر قشقایی در حقیقت یک گام نو در راستای ارتقای کیفیت زندگی و پایداری و حفظ محیط زیست است.

توزیع صفحه‌های خورشیدی طرحی مستمر است که با مشارکت سازمان امور عشایر و شرکت توزیع برق (توانیر) در دستور کار قرار دارد و سال گذشته نیز ۲۹۰ صفحه خورشیدی با اعتباری بالغ بر چهار میلیارد تومان به عشایر سمیرم واکتار شد اما قیمت تمام‌شده هر صفحه در آن مقطع حدود ۳۰ میلیون تومان برآورد شده بود. اکنون با اجرای مرحله پنجم طرح توزیع صفحه‌های خورشیدی،باز هم فصل تازه‌ای از امید به چادرهای خودکفای عشایر گشوده شد که نویدبخش آینده‌ای روشن‌تر با تکیه بر منابع تجدیدپذیر است. طرحی که گفته می‌شود یک گام در جهت تأمین آسایش و رفاه خانوارهای کوچ‌رو است اما اقدامی مؤثر در راستای حفظ محیط‌زیست و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی محسوب می‌شود. این موضوع مهم را پیش از این محمودسلیم‌زاده، فرماندار سمیرم مطرح و بر اهمیت توسعه زیرساخت‌های انرژی در مناطق عشایری تأکید کرده بود. او گفت: در مرحله پنجم ۹۰ درصد از اعتبار این طرح، توسط شرکت توزیع برق استان و ۱۰ درصد آن با مشارکت جامعه عشایری تأمین شده است که نشان‌دهنده همراهی مؤثر عشایر در توسعه زیرساخت‌های پایدار است و هدف‌گذاری نهایی مدیریت شهرستان سمیرم این است که با تداوم مشارکت عشایر و پیگیری تخصیص اعتبارات لازم، ظرف سه تا چهار سال آینده تمامی چادرهای عشایر این شهرستان به صفحه‌های خورشیدی تجهیز شوند. مسلم زاده با تأکید بر نقش بی‌بدیل مشایر در اقتصاد و تولید کنشور، خاطرنشان کرد: توزیع پل‌های خورشیدی تنها بخشی از اقدام‌های زیرساختی در این

مناطق است و هم‌زمان با این طرح، طرح‌های دیگری از جمله بهسازی و تجهیزانی جاده‌های مشایری، اجرای طرح‌های ایروسی و سیار و پایدار، نصب دکل‌های مخابراتی و حمایت از اشتغال‌زایی مانند تشکیل صندوق‌های خرد زنان مشایری و ایجاد میانین عرضه دام در دست اجراست تا زمینه برای ارتقای رفاه و ماندگاری عشایر در عرصه‌های تولیدی فراهم شود.

۶- **خانوار عشایری سمیرم شم**

شیرین انرژی خورشیدی را چشیدند

اما رییس امور عشایر سمیرم در یک گفتو گو اختصاصی با خبرنگار ایرنا، تأمین روشنایی چادرها و سرپناه‌ها، اسکان شارژ تلفن همراه، حذف تدریجی سوخت‌های فسیلی و جلوگیری از تخریب مراتع و بوته‌کنی را از جمله اهداف چند گانه طرح هرمنده عشایر از انرژی خورشیدی دانست. محمد نبی قاسمیپور با بیان اینکه در مرحله پنجم توزیع صفحه‌های خورشیدی، ۶۰ خانوار عشایری زیر سه پوشش خواهند رفت، گفت: این تعداد دستگاه خورشیدی با اعتباری بیش از ۲ میلیارد تومان تأمین و در اختیار جامعه عشایری قرار گرفته و اجرای این طرح نقش داری شبکه اجتماعی و سرمایه فرهنگی هستند باشیم.به مثال موسسه فرهنگی که نشست های هفتگی و ماهیانه چند ده نفره برگزار می کنند به برنامه بزرگ با مهمان غیر بومی اولویت دارد.

۳-نهادهای دولتی و عمومی با تأکید بر نهاد های علمی باید با طرح مباحث نظری در خصوص رابطه هنر و ادبیات و جنگ و وسعت بخشیدن به تحلیل های نظری درباره جنگ در فضای عمومی و رونق دادن گفتگوی عمومی در این خصوص بطور مستقیم و غیر مستقیم اهل هنر و ادبیات ره به تولید هنری و ادبی تشویق کنند ۴-توجه به همه مخاطبان با تأکید بر دو مخاطب آسیب پذیر کودک و کهنسال.

۵-بازخوانی تجربه های تاریخی آموزنده است به مثال: قطعه ازخون جوانان وطن یا ای ایران اگرهنوز هم کارکرد دارد و ایرانیان با گرایش های متفاوت آن را همخوانی می کنند در پاسخی است که این دو اثر به نیاز جامعه می دهد.هیچ کدام هم تولید سفارشی نیستند یا قطعاتی که در انقلاب اسلامی با جنگ تحمیلی ساخته شد مثل کاروان شهید ساخته محمد رضا لطفی که با صدای شهرام ناظری اجرا شد بر اساس احساس ووظیفه هنرمند و دینی که فکر می کرد باید ادا کند، تولید شد. ۶- ضروری است میدان تجربه ای به رابطه بین جنگ و نسل جدید که به اصطلاح نسل زد می گویند، فراهم کرد.

همان طور که شهید بهشتی در بحث تربیت دینی می گوید تربیت دینی با آزادی ممکن است هنرمند و ادیب پاک نقش پیشرو داشته‌اند و این موضوع با سازگاری بیشتر در حفظ محیط زیست و جلوگیری از بوته‌کنی و تخریب مراتع همراه است.او در ادامه به دیگر اقدامات زیرساختی در جهت توسعه زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عشایر اشاره کرد و افزود: زیرسازی و اسفالت جاده‌های مواصلاتی، طرح‌های تهیه آب پایدار، احداث شهرک‌های اسکان خیرخوش، طرح‌های اشتغال‌زایی از جمله احداث دامسگاه، نصب دکل‌های مخابراتی، /بسا جنگ آنچه در اروپای سالهای بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد نیست بلکه فضای عمومی جامعه ایران بعد از آتش بس جنگ چهل روزه است.